

تهران پر خطر؛ ساختمان‌ها هنوز آماده نیستند

سال‌ها پس از حادثه پلاسکو، صدها ساختمان نایمن در پایتخت باقی مانده‌اند؛ تهدیدی خاموش که جان مردم را به طور مستقیم و روزمره در معرض خطر قرار می‌دهند

یادداشت

O P I N I O N



احمد صادقی

عضو شورای ششم شهر تهران

ایمنی ساختمان‌ها از هشدار فراتر می‌رود

ایمنی ساختمان‌ها در تهران یک انتخاب فنی نیست؛ مسئله‌ای است که مستقیماً با جان شهروندان گره خورده است. شهری روی گسل، با جمعیت متراکم، ساختمان‌های قدیمی، بیمارستان‌های فرسوده و مجتمع‌های پرتردد، نمی‌تواند نسبت به پایداری سازه‌ها بی‌تفاوت باشد. آمادگی شهر در برابر حوادث از پایداری ساختمان‌ها آغاز می‌شود؛ از بیمارستان و پاساژ گرفته تا ادارات و مراکز عمومی. شورای شهر، به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار، نقش تعیین‌کننده‌ای در الزام شهرداری به اقدام دارد؛ چه در ایمن‌سازی و چه در پلمب ساختمان‌های خطرناک. تجربه نشان داده اگر این زنجیره تصمیم‌گیری و اجرا فعال نباشد، هشدارها در حد گزارش باقی می‌ماند و حادثه، پیش‌دستانه عمل می‌کند. بخش عمده‌ای از ساختمان‌های مهم و عمومی تهران به دلیل قدمت و شیوه ساخت قدیمی، مقاوم نیستند. مسئله نگران‌کننده آنجاست که بیشتر این ساختمان‌ها دولتی یا عمومی‌اند و روزانه با حجم بالایی مراجعه‌کننده روبه‌رو هستند؛ بنابراین هرگونه حادثه می‌تواند ابعاد گسترده‌ای پیدا کند. در دوره ششم مدیریت شهری، با تأکید بر «پایداری شهر تهران»، ساختمان‌ها ارزیابی و ورده‌بندی شدند تا مشخص شود کدام یک نیازمند مقاوم‌سازی فوری هستند. برای ساختمان‌هایی که پس از ابلاغ اقدام نکنند، مسیر قانونی از جمله راجع به مراجع قضایی و حتی پلمب پیش‌بینی شده است. سازمان مدیریت بحران تهران با همکاری مرکز مطالعات ساختمان وزارت راه، به‌صورت منطقه‌ای، ساختمان‌های مهم، دولتی، بیمارستانی و حتی مراکز تجمع خصوصی مانند پاساژها و ساختمان‌های تجاری را بر اساس شاخص‌های تاب‌آوری ارزیابی می‌کند. نتایج در «کمیت‌رفع خطر» بررسی و پس از تصمیم‌گیری، ابلاغ و پیگیری می‌شوند. اگر هشدارها جدی گرفته نشود، پلمب تا انجام مقاوم‌سازی در دستور کار قرار می‌گیرد. نمونه‌های عینی شامل پاساژ علاءالدین و مجتمع شانزلیزه است که با حکم قضایی پلمب و پس از ایمن‌سازی دوباره بازگشایی شدند. این تجربه نشان می‌دهد با اراده اجرایی، حتی پیچیده‌ترین موانع حقوقی و مالکیتی قابل عبور است.

با این حال، همه ساختمان‌ها به‌راحتی قابل پلمب نیستند. بسیاری از بناهای قدیمی، به دلیل تعدد مالکان و مسائل حقوقی، همچنان در وضعیت پرخطر باقی مانده‌اند. مسیر ایمن‌سازی زمان‌بر است و نیازمند تصمیم‌های سخت و مستمر است. در مورد بیمارستان‌ها نیز مشکل فقط حریق نیست. خطر اصلی ترکیب نایمینی سازه و حریق است. اعلام نایمن بودن تعدادی از بیمارستان‌های قدیمی تهران رنگ خطری جدی است که نمی‌توان با اصلاحات جزئی رفع کرد. تعیین وضعیت دقیق هر بیمارستان نیازمند آمار رسمی از سازمان‌های مسئول است، اما اصل ماجرا روشن است؛ بخشی از زیرساخت درمانی پایتخت تاب‌آوری لازم را ندارد. حادثه پلاسکو در سال ۱۳۹۵، هنوز در حافظه جمعی تهران باقی است؛ نمونه‌ای از هزینه‌بی‌توجهی به هشدارها که جان انسان‌ها را گرفت. امروز اقدامات انجام‌شده قابل توجه است و سطح آمادگی افزایش یافته، اما ایمنی شهر پروژه‌ای مقطعی نیست.

الهه ابراهیمی

روزنامه نگار



عکس: تهرانیسپاس/ایرنا

۶۶

خطرات

صادر شده

از سوی

آتش‌نشانی

برای

ساختمان‌های

نایمن، به دلیل

خلأ قانونی و

پیچیدگی‌های

قضایی اغلب

بی‌اثر باقی

می‌ماند و

تهدیدی

مستمر برای

شهروندان

ایجاد می‌کند

حادثه پلاسکو، هنوز مهم‌ترین نماد ناآرامی مدیریتی ایمنی شهری در حافظه جمعی ایرانیان است؛ ساختمانی که سال‌ها هشدار نایمن بودن آن داده شده بود، در نهایت فرو ریخت و جان ده‌ها آتش‌نشان و شهروند را گرفت. این فاجعه نشان داد که هشدارهای مکرر، بدون ابزار اجرایی و اراده قاطع، نمی‌تواند مانع بحران شود. وعده‌های اصلاح قوانین و برخورد با مالکان داده شد، اما گذر زمان و تکرار حوادث مشابه نشان می‌دهد که تهران هنوز پر از ساختمان‌های نایمن است؛ تهدیدی خاموش که می‌تواند هر لحظه حادثه‌ای شبیه پلاسکو را تکرار کند و جان مردم را در معرض خطر قرار دهد.

آمارهایی که نگران‌کننده‌اند

تهران سال‌هاست با بحران‌های متراکم شهری دست‌وپنجه نرم می‌کند، اما یکی از خطرناک‌ترین تهدیدهایی که بی‌صدا زیر سقف خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز اداری و تجاری جریان دارد، «نایمینی ساختمان‌ها» ست؛ بحرانی که هر بار با یک حادثه، از پلاسکو تا آتش‌سوزی بیمارستان‌ها، خود را به افکار عمومی تحمیل می‌کند و دوباره به حاشیه می‌رود، بی‌آنکه ریشه‌های آن به‌طور جدی درمان شود. پایتخت بر روی گسل‌های فعال بنا شده، تراکم جمعیت در آن

بالاست و بخش قابل توجهی از زیرساخت‌هایش عمری بیش از چند دهه دارند. در چنین شرایطی، ایمنی ساختمان‌ها نه یک مسئله فنی صرف، بلکه موضوعی اجتماعی، انسانی و مرتبط با کیفیت حکمرانی شهری است. با این حال، اظهارات رسمی مسئولان نشان می‌دهد که ابعاد این بحران بسیار فراتر از آن چیزی است که شهروندان در زندگی روزمره لمس می‌کنند. همواره مسئولان مدیریت شهری به خصوص شورای شهر بارها به وجود هزاران ساختمان نایمن در پایتخت اذعان کرده‌اند. بر اساس اعلام سازمان آتش‌نشانی تهران، حدود ۲۰ هزار ساختمان از نظر سازه‌ای یا ایمنی حریق در وضعیت نایمن قرار دارند. این ساختمان‌ها شامل طیف متنوعی از کاربری‌ها هستند؛ از پاساژها و مراکز تجاری پرتردد گرفته تا ساختمان‌های اداری و حتی مراکز درمانی. در این میان، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران با اعلام نایمن بودن ۵۲ بیمارستان در شهر تهران، مجدداً زنگ خطری جدی‌تر به صدا درآورد. بیمارستان‌ها به‌عنوان مراکز حیاتی و پناهگاه‌های درمانی در زمان بحران، باید امن‌ترین ساختمان‌های شهری باشند. اما وقتی نام بیمارستان‌هایی با سابقه طولانی فعالیت در فهرست ساختمان‌های نایمن قرار می‌گیرد، پرسش‌های جدی

درباره اولویت‌های مدیریت شهری و نظام سلامت مطرح می‌شود.

تکرار یک الگوی خطرناک

بیمارستان‌ها نه تنها محل درمان بیماران، بلکه محل حضور شبانه‌روزی پزشکان، پرستاران، کارکنان و همراهان بیماران هستند. نایمن بودن این مراکز، به معنای تهدید همزمان جان گروه بزرگی از شهروندان است. طی سال‌های اخیر، چندین حادثه آتش‌سوزی در مراکز درمانی تهران رخ داده که هر بار با خوش‌شانسی، از تلفات گسترده جانی جلوگیری شده است. حادثه آتش‌سوزی بیمارستان گاندی نمونه‌ای از همین هشدارها بود؛ حادثه‌ای که اگرچه تلفات انسانی نداشت، اما نشان داد اخطارهای ایمنی که پیش‌تر از سوی آتش‌نشانی صادر شده بود، جدی گرفته نشده است. پس از این حادثه، مسئولان بار دیگر از نبود سیستم‌های استاندارد اعلام و اطفای حریق، نقص در مسیرهای خروج اضطراری و بی‌توجهی به الزامات ایمنی در برخی بیمارستان‌ها سخن گفتند. اعلام رسمی نایمن بودن ده‌ها بیمارستان در تهران، این نگرانی را تقویت می‌کند که در صورت وقوع زلزله یا حادثه‌ای بزرگ، خود مراکز درمانی به بخشی از بحران تبدیل شوند، نه راه‌حل آن.

ایمنی ساختمان‌ها هنوز جدی گرفته نمی‌شود

کارشناس ایمنی و مشاور کمیته ایمنی شورای پنجم تهران، درباره چرخه هشدار، اخطار و حادثه در تهران توضیح می‌دهد

شاید یک نهاد یا فرد مسئول مطرح باشد، اما واحدها در عمل به افراد مختلف واگذار شده‌اند. تصمیم‌گیری واحد در چنین شرایطی بسیار دشوار است. این مسئله در مجتمع‌های مسکونی هم دیده می‌شود. در پروژه‌های آموزشی مرتبط با زلزله، میزان مشارکت ساکنان حتی به پنج درصد هم نمی‌رسد؛ از ۸۰ واحد، شاید پنج خانواده حاضر به آموزش می‌شدند. در چنین شرایطی نه می‌توان آموزش داد، نه پروتکل تخلیه اضطراری تدوین کرد و نه درباره تجهیزات ایمنی صحبت کرد. این عدم مدیریت یکپارچه باعث شده که نه در مقیاس شهر و نه در مقیاس یک ساختمان، تصمیم‌قاطع و سریع گرفته نشود. این پیچیدگی سال‌هاست ادامه دارد. پلاسکو، متروپل و چند حادثه دیگر رخ داده‌اند، اما هنوز چیزی به نام «فوریت رفع خطر» وجود ندارد؛ تا حادثه بعدی اتفاق نیفتد، اقدام جدی انجام نمی‌شود.

• وضعیت بیمارستان‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بیمارستان‌ها شرایط ویژه‌ای دارند. بیشتر بیمارستان‌های تهران قبل از انقلاب ساخته شده‌اند و بسیاری بیش از ۵۰ سال عمر دارند، در حالی که مرمت و بازسازی اساسی در آن‌ها محدود بوده است. گاهی تنها توسعه انجام شده؛ یعنی یک ساختمان جدید کنار ساختمان قدیمی ساخته شده، اما بخش فرسوده همچنان نایمن باقی مانده است. به همین دلیل بیمارستان‌ها عملاً دو فضای جدا دارد: یک بخش جدید و یک بخش فرسوده.

در این میان، تعریف «ایمن‌سازی» اهمیت دارد. گاهی چند اخطار، نصب تابلو یا رعایت نکات ساده به نام ایمنی معرفی می‌شوند، در حالی که ایمن‌سازی واقعی چیز دیگری است. تفاوت چشمگیری بین اقدامات ظاهری و مقاوم‌سازی اساسی وجود دارد. در کشور ما مقاوم‌سازی هنوز جان‌بافته و بازسازی‌ها اغلب محدود به نما، دکور، رنگ و ظاهر ساختمان است، در حالی که در باطن تغییری ایجاد نمی‌شود.

جان‌بافته است. مثلاً درباره خودرو می‌دانیم بعد از یک دوره مشخص باید تعمیر یا جایگزین شود، اما برای ساختمان‌ها حتی پس از ۳۰ یا ۴۰ سال هم چنین نگرشی وجود ندارد. در حالی که هر سازه‌ای نیازمند بازبینی و بازسازی اساسی است تا ایمنی آن تضمین شود.

• بعد از حادثه پلاسکو، شورا و شهرداری چه اقداماتی برای جلوگیری از تکرار چنین فاجعه‌ای انجام دادند؟

پس از حادثه پلاسکو، مشابه تجربه زلزله بم که منجر به تشکیل سازمان مدیریت بحران شد، مسئله ایمنی ساختمان‌های بلندمرتبه، تجاری، پرتردد و بیمارستان‌ها جدی‌تر مطرح شد. پروژه‌ای تعریف شد و ارزیابی اولیه‌ای از ساختمان‌های بلندمرتبه انجام گرفت؛ همان عدد معروف ۹۹۹۰ ساختمان، بیمارستان‌ها و مراکز تجاری در اولویت بررسی قرار گرفتند. اما در ابتدا تمرکز اصلی روی یافتن «مقصر پلاسکو» بود. سازمان آتش‌نشانی اعلام کرده بود که اخطار داده است؛ روند کار معمولاً بازدید و صدور اخطار بود، اما الزام واقعی برای رفع خطر وجود نداشت. به عبارتی، تعداد بازدیدها و اخطارها افزایش یافت، اما «رفع خطر» عملی نشد. از سال ۹۵ به بعد، تعداد اخطارها بیشتر شد، اما همچنان بسیاری از ساختمان‌ها در وضعیت نایمن باقی ماندند.

• آیا قانون دست‌شهرداری را برای اقدام جدی باز نمی‌گذارد؟

قوانین برخی موارد اجازه می‌دهند که شهرداری هزینه‌های رفع خطر را تقبل کند و بعد از آن راه‌نگام نقل و انتقال ملک از مالک در یافت کند. اما در عمل، شهرداری نه توان مالی کافی دارد و نه سازوکار اجرایی لازم فراهم است. نمونه روشن آن پرونده مجتمع علاءالدین است؛ چند بار خبر بسته شدن آن منتشر شد، اما آیا شهرداری واقعاً توان دارد یک مجتمع بزرگ را تخلیه، بازسازی اساسی و دوباره بازگشایی کند؟ چنین سازوکاری عملاً وجود ندارد.

مشکل اصلی در بسیاری از مجتمع‌های تجاری قدیمی مالک متمرکز است.

با گذشت سال‌ها از حادثه پلاسکو و تکرار هشدارها درباره نایمینی ساختمان‌های پرتردد، ایمنی در تهران هنوز محدود به اخطارهای صورتی است. اعلام نایمن بودن ده‌ها بیمارستان، مراکز تجاری و ساختمان‌های اداری، پرسشی جدی مطرح می‌کند: چرا «رفع خطر» در کشور ما به یک الزام اجرایی تبدیل نمی‌شود و اقدام واقعی تا بعد از وقوع حادثه به تعویق می‌افتد؟ برای بررسی این وضعیت، با عماد بختیاری، کارشناس ایمنی و مشاور کمیته ایمنی شورای پنجم تهران گفت‌وگو کرده‌ایم.

هفته گذشته اعلام شد از حدود ۱۹۰ بیمارستان تهران، تنها ۵۲ بیمارستان وضعیت ایمنی قابل قبول دارند. با تجربه شما در کمیسیون سلامت شورا، چرا ایمنی ساختمان‌ها برای مالکان و نهادهای مسئول جدی گرفته نمی‌شود؟ این مشکل ریشه‌ای و فراگیر است و محدود به بیمارستان‌ها نیست. ما درباره ساختمان‌های پرتردد صحبت می‌کنیم؛ چه مسکونی، چه تجاری، اداری یا درمانی. نکته مهم این است که در جامعه ما تا زمانی که حادثه‌ای رخ ندهد، خطر را باور نمی‌کنیم. حادثه پلاسکو این واقعیت را بار دیگر نشان داد. مثل بسیاری از مسائل دیگر؛ حتی در تصادف رانندگی هم فکر می‌کنیم «برای ما اتفاق نمی‌افتد». زلزله تهران نمونه‌ای آشکار است؛ همه می‌دانیم شهر آماده نیست، اما عملاً اقدامی صورت نمی‌گیرد. وقتی این پیش‌زمینه ذهنی وجود دارد، طبیعی است که اقدامات جدی برای ایمن‌سازی ساختمان‌ها هم به تعویق بیفتد.

• یعنی مشکل فقط نبود قانون یا نظارت نیست و یک نگاه فرهنگی هم در این موضوع نقش دارد؟

دقیقاً. علاوه بر این، مسئله «آورها» یا نوسازی اساسی در کشور ما هنوز